

Comparative Study of the Characteristics of Imamate with the Blessed Presence of Lady Fatimah (peace be upon her)*

Research Article

Emamatpajouhi,
Twelfth year, vol .2
autumn & winter 2023
DOI:10.22034/
jep.2021.241889.1212
jep.emamat.ir



Mostafa Haji Valiei¹ / Rouhollah Motaghi Nik² / Nafiseh Zarei³

Abstract

In religious texts, numerous virtues and merits have been mentioned for Lady Fatimah (peace be upon her), some of which are the very qualities required for holding the position of Imamate, which an Imam must possess. The three attributes of “knowledge,” “innocence,” and “superiority,” which Allah, the Exalted, grants to His saints and successors, are established as valid conditions for Imamate in the case of Lady Fatimah (peace be upon her). Additionally, “divine selection,” which is a prerequisite for the granting of the position and divine choice, is proven to be one of her most significant perfections and ranks. Clarifying ambiguities regarding some of Lady Fatimah’s (peace be upon her) ranks and dispelling any misconceptions about her spiritual deficiency due to the lack of the title Imam being applied to her, considering her spiritual status in the belief system, can well illustrate the necessity of this research. In this article, through a revelatory-narrative method and a descriptive-analytical approach, the characteristics of Imamate will be explained, along with an examination of these characteristics within the attributes of Lady Fatimah (peace be upon her), where one cannot find any divine appointment for Imamate in her case alone.

Keywords: Characteristics of an Imam, Knowledge of the Imam, Innocence, Superiority, Ranks of Lady Fatimah (peace be upon her).

* Date of receipt: 14/05/2024, Date of acceptance: 03/07/2024.

1. Professor at the Marvi Seminary, (corresponding author), fotros.qom@chmail.ir.

2. Master’s Degree, motaghinik@gmail.com.

3. PhD student, nafiseh.zarei@ut.ac.ir.

دراسة مقارنة لسمات الإمامة مع وجود السيدة الزهراء عليها السلام *

مصطفى حاج وليئي^١ / روح الله متقي نيك^٢ / نفيسه زارعي^٣

مقالة محكمة

امامت پژوهشی
السنة الثانية عشرة
العدد الثاني، الخريف
والشتاء سنة ٢٠٢٣
jep.emamat.ir



الخلاصة

ورد في النصوص الدينية مناقب وفضائل لا حصر لها للسيدة الزهراء عليها السلام، بعض هذه الفضائل هي الصفات اللازمة لتولي منصب الإمامة، ويجب على الإمام أن يتّصف بها. وثلاث صفات «العلم» و«العصمة» و«الأفضلية» التي وهبها الله تعالى لأوليائه وأوصيائه، هي من شروط الإمامة الصحيحة، والتي تثبت للسيدة الزهراء عليها السلام. وكذلك «الاصطفاء الإلهي» الذي هو مقدمة لمنح المنصب والاختيار الإلهي، ويعدّ من أهمّ الكماليات والمراتب، تثبت للسيدة الزهراء عليها السلام. ويمكن توضيح ضرورة هذا البحث من خلال إزالة الغموض حول بعض مراتب السيدة الزهراء عليها السلام، ودفع وهم نقصها المعنوي لعدم اطلاق لفظ «الإمام» عليها، مع مراعاة مكانتها الروحية في النظام العقائدي. وفي هذه المقالة، وباستخدام المنهج النقلي - الوحياني، وبالاعتماد على النهج الوصفي - التحليلي، سيتمّ شرح سمات الإمامة، وفحصها ضمن خصائص السيدة الزهراء عليها السلام، حيث لا يمكن العثور على التعيين الإلهي لمنصب الإمامة إلا فيها.

الكلمات الرئيسية: صفات الإمام، علم الإمام، العصمة، الأفضلية، مقامات السيدة الزهراء عليها السلام.

* تاريخ التسلم: ١٤ مايو ٢٠٢٤، تاريخ القبول: ٣ يوليو ٢٠٢٤.

١. أستاذ في حوزة مروية العلمية، (الكاتب المسؤول)، fotros.qom@chmail.ir.

٢. ماجستير، motaghinik@gmail.com.

٣. طالبة دكتوراه، nafiseh.zarei@ut.ac.ir.

بررسی تطبیقی شاخصه‌های امامت با وجود مبارک حضرت زهرا علیها السلام*

مصطفی حاج ولیئی^۱ / روح‌الله متقی‌نیک^۲ / نفیسه زارعی^۳

مقاله پژوهشی

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
امامت پژوهی، سال دوازدهم
شماره دوم، شماره پیاپی ۳۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۱
صفحه ۲۲۷ - ۲۶۳

jep.emamat.ir

DOI:10.22034/jep.2021.241889.1212



copyright © the authors

چکیده

در متون دینی، مناقب و فضایل بی‌شماری برای حضرت زهرا علیها السلام ذکر شده است که برخی از این فضایل همان صفاتی هستند که برای تصدی منصب امامت لازمند و امام باید آن صفات را دارا باشد. سه صفت «علم»، «عصمت» و «افضلیت» که خداوند متعال آن را به اولیا و اوصیای خود عطا می‌کند، از شروط معتبر امامت است که برای حضرت زهرا علیها السلام اثبات می‌شود. همچنین «اصطفای الهی» که مقدمه اعطای منصب و گزینش الهی است و از مهمترین کمالات و مقامات به شمار می‌رود، برای ایشان به اثبات می‌رسد. زدودن ابهامات در رابطه با برخی مقامات حضرت زهرا علیها السلام و دفع توهم نقصان معنوی ایشان به جهت عدم اطلاق امام بر حضرت زهرا علیها السلام، با توجه به جایگاه معنوی ایشان در نظام اعتقادی، می‌تواند ضرورت این پژوهش را به خوبی تبیین کند. در مقاله حاضر با روش نقلی - وحیانی و با رویکرد توصیفی - تحلیلی، ضمن تبیین شاخصه‌های امامت، به بررسی آن‌ها در بین ویژگی‌های حضرت زهرا علیها السلام پرداخته می‌شود که تنها نصب الهی برای نصب امامت را در ایشان نمی‌توان یافت.

واژگان کلیدی: ویژگی‌های امام، علم امام، عصمت، افضلیت، مقامات حضرت زهرا علیها السلام.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۳

۱. استاد حوزه علمیه مروی، (نویسنده مسئول)، fotros.qom@chmail.ir.

۲. کارشناسی ارشد، motaghinik@gmail.com.

۳. دانشجوی دکترا، nafiseh.zarei@ut.ac.ir.

مقدمه

حضرت زهرا علیها السلام یکی از شخصیت‌های ممتاز عالم است. عنایات خاص الهی، تربیت ویژه نبوی و ویژگی‌های ممتاز ایشان، این شخصیت را از دیگران متمایز کرده و او را یکی از نشانه‌های قدرت بالغه و توانایی بدیع پروردگار قرار داده است.

در متون دینی امامیه، ویژگی‌هایی همچون «علم الهی» و «عصمت» را برای متصدی منصب امامت لازم دانسته‌اند که تمامی این ویژگی‌ها در امامان دوازده‌گانه تجلی یافته است. اما در این میان سؤالی پیش می‌آید که با توجه به مقامات و شئون فراوانی که شخص حضرت زهرا علیها السلام دارند، آیا می‌توان برخی یا تمام ویژگی‌های منصب امامت را در ایشان یافت؟ به تعبیر دیگر، آیا صدیقه کبری ویژگی‌های یک امام را دارا هستند؟

یکی از مسائل معرفتی مرتبط با ایشان مقاماتی همچون عصمت، علم الهی و شفاعت است. با اندکی تأمل در شاخصه‌هایی که در کتب کلامی برای امام و جایگاه امامت آورده شده است، می‌توان مطابقتی با ویژگی‌های حضرت زهرا علیها السلام و مقامات آن بانوی باکرامت، مشاهده کرد؛ چراکه از مهمترین ویژگی‌های امام، علم، عصمت و افضلیت است که تمامی این مقامات را می‌توان در وجود مبارک ایشان یافت. از سوی دیگر، با توجه به مقام اصطفای حضرت فاطمه علیها السلام می‌توان ویژه بودن مقام ایشان را درک کرد.

در کتاب‌های شیعی و برخی کتب اهل سنت به ویژگی‌های امامتی حضرت زهرا علیها السلام اشاره شده است، اما از آن‌ها به عنوان ویژگی‌های امامت یاد نشده است؛ از این رو، در این مقاله سعی شده به صورت مبسوط به این ویژگی‌ها پرداخته شود و از آن ویژگی‌ها به عنوان ویژگی‌های امام که در حضرت زهرا علیها السلام متبلور شده است، یاد گردد.

اوصاف معتبر امامت نزد امامیه

مذهب امامیه، امامت را منصبی الهی دانسته که تعیین مصداق آن بر عهده خداوند متعال است و شرایطی که برای امام بیان می‌شود در حقیقت صفاتی است که برای شناخت و معرفت بهتر امام از آن‌ها بهره گرفته می‌شود و حاکی از شایستگی و تمایز امام جهت انتصاب به این مقام است.

۱. عصمت

شیعه امامیه، عصمت را شرط لازم برای امام می‌داند و اهل سنت آن را برای امام لازم ندیده‌اند و تنها به وصف «عدالت» اکتفا کرده‌اند. از آنجا که امام باید معصوم باشد و برای بررسی صفات امام در حضرت زهرا علیها السلام باید حدود و ثغور آن مشخص باشد، به مفهوم شناسی آن پرداخته می‌شود.

خواجه نصیرالدین طوسی در رساله الإمامة هشت صفت لازم برای امام را بیان می‌کند که عصمت، یکی از آنهاست!^۱

واژه «عصمت» در لغت به دو معنا به کار رفته است: منع و حفظ کردن.^۲ درباره تفاوت این دو معنا باید گفت، حفظ کردن اخص از منع کردن است؛ چراکه گرفتن و نگه‌داری شخصی که بالای کوه است، هنگامی معنا دارد که از حرکت او به سوی پرتگاه جلوگیری شود. اما «منع» در هنگامی است که شخص در معرض سقوط قرار گرفته باشد و به نحوی، راه او سد گردد و از سقوط وی جلوگیری شود. متکلمان امامیه در تعریف آن گفته‌اند:

عصمت، موهبتی است الهی که در پرتو آن، انجام گناه و پیروی از عقاید باطل و فاسد با وجود قدرت بر آنها، ممتنع گشته و علاوه بر آن، ظهور خطا و نسیان نیز ممتنع می‌شود.^۳

از دیدگاه شیعه، کسی که به مقام حجیت الهی می‌رسد، چه پیامبر و چه امام، باید معصوم باشد. با توجه به تعریف عصمت، تنها دوری از گناه عصمت نیست؛ بلکه علاوه بر دوری از گناه، دوری از خطا و اشتباه و نسیان نیز برای تحقق عصمت لازم است.

۲. علم

کاربرد علم در لغت در برابر جهل است، و از آن به یقین و معرفت تعبیر کرده‌اند.^۴

۱. طوسی، نصیرالدین، تلخیص المحصل المعروف بنقد المحصل، ص ۴۲۹.

۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، ۱۹۸۶/۵؛ حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ۴۸۲/۱۷.

۳. خرازی، سید محسن، بداية المعارف الإلهية في شرح عقائد الإمامية، ۲۴۹/۱.

۴. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر في غریب الشرح الكبير للرافعی، ۴۲۷/۲.

در بحث علم امام همان معنای لغوی علم مراد است و معانی اصطلاحی متعددی که برای علم گفته شده، در این بحث کاربرد ندارد.^۱ تعبیری که در علم امام کاربرد فراوانی دارد، تعبیر «علم لدنی» است. این تعبیر به نظر می‌رسد از آیه «وَعَلَّمَنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا»^۲ گرفته شده است. علامه طباطبائی رحمته الله علیه این علم را چنین بیان می‌کند:

علمی است که اسباب عادی مثل حس و تفکر در آن نقشی ندارد تا اکتسابی باشد و دلیل آن هم تعبیر «مِنْ لَدُنَّا» است؛ بلکه علمی موهبتی و غیر اکتسابی است که مخصوص اولیای الهی است.^۳

پس می‌توان گفت علم لدنی به دانشی می‌گویند که از طریق اسباب عادی تعلیم و تعلم حاصل نشده باشد؛ از این رو، امام می‌تواند مشمول چنین علمی باشد.

۳. افضلیت

از دیگر صفات لازم برای امام که در میان متکلمان امامیه مطرح بوده، افضل بودن امام است. علامه حلی رحمته الله علیه می‌فرماید:

امام باید افضل مردم باشد و در این شرایط امامیه اتفاق دارند؛ ولی جمهور اهل سنت با آن مخالفت کرده، تقدیم مفضول بر فاضل را جایز شمرده‌اند.^۴

امام در تمامی شئون به جز تلقی وحی، قائم مقام پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ از این رو، اگر افضلیت در پیامبر لازم است، امام نیز باید افضل مردم در صفات کمالی مانند شجاعت، کرم، عفت، صداقت، عدالت، تدبیر، عقل، حکمت، علم، حلم، خلق و غیره باشد؛ زیرا امام جانشین پیامبر و نایب او در تمام امور و شئون است، مگر در تلقی وحی و این نیابت بدون افضلیت امکان‌پذیر نیست.

۱. مصباح، محمدتقی، آموزش فلسفه، ۶۶/۱.

۲. کهف: ۶۵.

۳. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۳۴۲/۱۳.

۴. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، نهج الحق و کشف الصدق، ۱۶۸/۱.

۴. اصطفاء

برشمردن اصطفاء به عنوان یکی از ویژگی‌های امام، دقیق و تمام نیست؛ چراکه متکلمان آن را به عنوان صفت و ویژگی یاد نکرده‌اند و نمی‌توان در عداد ویژگی‌های لازم منصب امامت برشمرد. ولی نباید از این نکته غافل شد که اعطای هر منصبی، مسلتم گزینش و اختیار الهی است و این اختیار و گزینش به عنوان مقدمه‌ای حتمی برای اعطای منصب برشمرده می‌شود. این مقدمه، همان اصطفای الهی است؛ به همین جهت، در کنار ویژگی‌های امامت برشمرده می‌شود. اصطفاء بدین معناست که امام باید در میان مردم با توجه به ویژگی‌هایی که دارد، برگزیده الهی باشد. در بخش «ویژگی‌های حضرت زهرا علیها السلام» به این بحث بیشتر پرداخته می‌شود. حاصل کلام آن که، شیعه امامیه برای امام سه ویژگی را ضروری می‌داند: عصمت، علم و افضلیت. سایر ویژگی‌ها مثل شجاعت، نداشتن عیوب، مقرب‌ترین و یگانه بودن در منصب امامت، به افضلیت برمی‌گردد. همچنین باید توجه داشت که اصطفاء به عنوان مقدمه لازم و ضروری اعطای منصب، در کنار این سه ویژگی آورده می‌شود.

اثبات شروط امامت برای حضرت زهرا علیها السلام

در این قسمت به بررسی صفات ضروری امامت در حضرت زهرا علیها السلام پرداخته می‌شود و ادله برخورداری ایشان از این چهار ویژگی بررسی می‌گردد.

۱. ادله علم حضرت زهرا علیها السلام

یکی از راه‌های پی بردن به مقام علمی حضرت زهرا علیها السلام بیان خداوند متعال و اولیای معصوم اوست.

۱.۱. ادله قرآنی

شیخ صدوق رحمته الله درباره آیه «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ ﴿١٩﴾ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ»؛ دو دریا را روان ساخت درحالی که همواره با هم تلاقی و برخورد دارند؛ میان آن دو حایلی

است که به هم تجاوز نمی‌کنند، روایتی را با سند خود از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند: «امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام دو دریای عمیق علم هستند که یکی بر دیگری تعدی نمی‌کند.»^۱

از آیاتی که به بیان فضایل اهل بیت علیهم السلام می‌پردازد، آیه تطهیر است. حضرت زهرا علیها السلام نیز در میان اهل بیت علیهم السلام مشمول این آیه شریفه شده، از مقام عصمت الهی برخوردارند. حال برای استفاده علم حضرت زهرا علیها السلام از مطهره بودن ایشان طبق آیه تطهیر، به دو بیان می‌توان تمسک جست:

اول: مفاد آیه، عصمت اهل بیت علیهم السلام است (در بحث عصمت حضرت زهرا علیها السلام)، مفاد آیه تطهیر مورد بررسی قرار می‌گیرد. یکی از مراتب عصمت، عصمت علمی است که در آن شخص معصوم، در حوزه شناخت و آگاهی، از خطا در امان می‌ماند و دارای مراتب زیر است: عصمت در شناخت احکام الهی؛ عصمت در شناخت موضوعات احکام شرعی؛ عصمت در تشخیص مصالح و مفاسد امور مربوط به رهبری جامعه؛ عصمت در امور مربوط به زندگی عادی، اعم از مسائل فردی و اجتماعی.^۲

دوم: این بیان خود از سه مقدمه تشکیل می‌شود:

مقدمه اول: در قرآن کریم، درباره خود قرآن و آیات الهی چنین آمده است: «إِنَّهُ لَفُرْقَانٌ كَرِيمٌ ﴿٧٧﴾ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ ﴿٧٨﴾ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ﴿٧٩﴾»^۳ «مس» در آیه، با توجه به استعمال این لفظ در قرآن کریم، دو معنای مس ظاهری^۴ و مس باطنی^۵ دارد. «طهارت» نیز داری دو معنای طهارت ظاهری^۶ و طهارت باطنی^۷ است. حال

۱. ابن بابویه قمی، ابی جعفر محمد بن علی بن حسین، معانی الأخبار، ۶۵/۱.

۲. ربانی گلپایگانی، علی، امامت در بینش اسلامی، ۲۲۰/۱.

۳. واقعه: ۷۷-۷۹.

۴. أعراف: ۴۷.

۵. أعراف: ۲۰۱.

۶. مدثر: ۴.

۷. آل عمران: ۴۲.

اگر «لا» در «لَا يَمْسُهُ» نفی و اخبار باشد، معنای آیه چنین می‌شود که: «به کتاب محفوظ تنها کسانی که از هر عیب و نقص و گناه پاکند، دست می‌یابند».

مقدمه دوم: طبق آیه تطهیر، اهل بیت علیهم‌السلام مورد طهارت باطنی قرار گرفته و از هرگونه عیب و نقص و گناه طبق اراده الهی پاک شده‌اند.

مقدمه سوم: بر طبق روایات فریقین، مقصود از اهل بیت علیهم‌السلام پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، امیرالمؤمنین علیه‌السلام، حضرت زهرا علیها‌السلام و امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام هستند.

با توجه به این سه مقدمه باید گفت حضرت زهرا علیها‌السلام به علم قرآن دست یافته‌اند؛ چراکه ایشان به اراده الهی مطهر هستند و طبق آیات سوره واقعه، زمینه و شرط دستیابی به حقیقت قرآن و باطن و علم آن را داشته‌اند!

از آیاتی که فضل علمی اهل بیت علیهم‌السلام از جمله حضرت زهرا علیها‌السلام را به اثبات می‌رساند، آیه «أهل الذکر» است. خداوند متعال چنین می‌فرماید: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^۲؛ اگر نمی‌دانید، از آگاهان پرسید.

در روایات متعددی از اهل بیت علیهم‌السلام آمده است که مقصود از «اهل ذکر» در این آیه شریفه، اهل بیت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از جمله حضرت زهرا علیها‌السلام است.^۳

۲.۱. ادله روایی

از جمله احادیثی که مورد اتفاق همه مذاهب اسلامی بوده، به صورت متواتر از عصر صحابه به بعد نقل شده و به لحاظ مضمون و دلالت اهمیت خاصی دارد، حدیث ثقلین است.^۴ این حدیث شریف علاوه بر آنکه از براهین نقلی اثبات خلافت و امامت بلافصل امیرالمؤمنین علیه‌السلام به شمار می‌رود و صغرای استدلال عقلی «قبیح تقدیم مفضول بر افضل» را ترسیم می‌کند، مضامین مختلفی دارد و از آن برای اثبات مطالب مهم و گوناگونی استفاده می‌شود.

۱. رضوانی، علی اصغر، فاطمه زهرا علیها‌السلام مظلومه تاریخ، ۱۹۰/۱-۱۹۳.

۲. نحل: ۴۳؛ انبیاء: ۷.

۳. ابن بابویه قمی، ابی جعفر محمد بن علی بن حسین، معانی الأخبار، ۲۱۰/۱-۲۱۳.

۴. ر.ک: حسینی میلانی، سید علی، نفحات الأزهار، ج ۱-۳ و نگاهی به حدیث ثقلین.

اثبات علم اهل بیت علیهم السلام از طریق حدیث ثقلین، به وجه‌های زیر صورت می‌پذیرد: رسول خدا صلی الله علیه و آله در این حدیث این همراهی را با ذکر قرآن در کنار عترت و جاری کردن حکم یکسان بر هر دوی آن‌ها بیان فرموده‌اند: «کتاب الله و عترتی؛ اهل بیتمی»^۱. نکته قابل تأمل درباره این مصاحبت و همراهی، جدایی‌ناپذیر بودن آن است و این دو برای همیشه در کنار یکدیگر تا روز قیامت باقی خواهند بود. این مطلب از به‌کارگیری «لن» فهمیده می‌شود که برای نفی ابد است؛ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چنین فرموده‌اند: «فإنهما لن يتفرقا»^۲.

از این مطلب استفاده می‌شود که اهل بیت علیهم السلام به تمامی علوم قرآن احاطه دارند و حتی بخش کوچکی از علوم قرآن از حوزه علم ایشان خارج نیست.

وجه دومی که با یاری جستن از حدیث ثقلین برای علم اهل بیت علیهم السلام می‌توان آورد، لزوم تمسک به عترت در کنار قرآن است؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «قد ترکت فیکم ما إن أخذتم به لن تضلوا کتاب الله و عترتی؛ اهل بیتمی»^۳. در صورتی تمسک به اهل بیت علیهم السلام در کنار قرآن عامل نجات و هدایت است و از گمراهی شخص جلوگیری می‌کند که اهل بیت علیهم السلام علم لازم برای هدایت بشر و اداره جامعه را داشته باشند؛ در غیر این صورت، امر به تبعیت به صورت مطلق و بدون قید و شرط، بی‌معنا خواهد بود.

در تبیین اعلمیت اهل بیت علیهم السلام در استفاده از حدیث ثقلین چنین بیان شده است: اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله با وجود شخص یا افراد داناتری، امت را به اهل بیت ارجاع دهند مرتکب امر قبیحی گردیده‌اند و رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز مرتکب امر ملامت‌آفرینی نمی‌شوند؛ در نتیجه اهل بیت علیهم السلام اعلم امت خواهند بود.^۴

۱. ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الصحیح وهو سنن الترمذی، ۴۷۸/۵.

۲. نسائی، احمد بن علی، السنن الکبری، ۴۵/۵.

۳. ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الصحیح وهو سنن الترمذی، ۴۷۸/۵.

۴. حسینی میلانی، سید علی، جواهر الکلام فی معرفة الإمامة والإمام، ۷۳/۹.

از نکات دیگر گفته شده در رابطه با ایشان، این که حضرت زهرا علیها السلام ظرف علوم قرآن است. در توضیح این مطلب باید گفت همان گونه که شب قدر ظرف نزول تمام قرآن و همه علوم و معارف آن بر قلب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، حضرت زهرا علیها السلام نیز ظرف علوم قرآن بوده و به تمام علوم قرآن عالم بوده است.

شاهد این مطلب آن است که معانی و حقایق قرآن کریم بر قلب و روح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل گردیده و ایشان حضرت زهرا علیها السلام را روح و جان خود معرفی می کند و چنین می فرماید: «هي بضعة مني وهي قلبي وروحي التي بين جنبي فمن أذاها فقد أذاني ومن أذاني فقد أذى الله.»^۱ تمامی کمالات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با قلب و روح ایشان مرتبط است و اگر حضرت زهرا علیها السلام از این کمالات و فضایل و علوم بهره مند نباشند، این کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله وجهی نخواهد داشت.^۲ با این بیان، کمالات نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله برای حضرت زهرا علیها السلام ثابت می گردد که از جمله این کمالات، علم بیکران الهی است.

۲. ادله عصمت حضرت زهرا علیها السلام

علامه مجلسی رحمته الله درباره عصمت حضرت زهرا علیها السلام می نویسد:

درباره عصمت حضرت زهرا علیها السلام شک و تردیدی وجود ندارد. دلیل این مطلب نزد ما شیعیان، اجماع قطعی و اخبار متواتری است که در ابواب مناقب ایشان می آید. اما حجت و دلیل قاطع در مورد عصمت ایشان علیها السلام علیه مخالفان، آیه تطهیر و اخبار متواتری است که اذیت کردن ایشان را، اذیت رسول خدا صلی الله علیه و آله معرفی کرده و همچنین اخباری است که می گوید خداوند متعال به غضب ایشان غضبناک و با خشنودی ایشان خشنود می شود.^۳

۱. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة في معرفة الأئمة (ط. القديمة)، ۴۶۶/۱.

۲. یوسفی، محمدحسین، اسرار فضائل فاطمه، ۱۴۸/۱-۱۶۳.

۳. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار،

در یک بیان، عصمت اهل بیت علیهم السلام می‌تواند به اثبات عصمت حضرت زهرا علیها السلام نیز منجر شود؛ چراکه بنابر روایات، حضرت زهرا علیها السلام داخل در اهل بیت علیهم السلام بودند. در اینجا به بررسی عصمت حضرت زهرا علیها السلام در آیات و روایات می‌پردازیم.

۱.۲. ادله قرآنی

مهمترین دلیل از دلایل عصمت حضرت زهرا علیها السلام، آیه تطهیر است.^۱ خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^۲.

این آیه، مفید حصر با تأکید بوده و در آن، اراده تکوینی خداوند متعال مراد است. با در نظر گرفتن این دو نکته، عصمت اهل بیت علیهم السلام را می‌توان اثبات کرد.

با توجه به روایات دال بر محصور بودن اهل بیت علیهم السلام در پنج تن (از قبیل حدیث کساء و کشیدن کساء روی افراد مشخص و ممانعت پیامبر از پیوستن ام سلمه و عایشه)^۳ هر گونه تردید و شبهه در شناخت مصادیق اهل بیت از بین می‌رود.^۴

استدلال به این آیه برای عصمت اهل بیت علیهم السلام منوط به چند نکته است:

یکی از آن‌ها، استفاده حصر از طریق لفظ «إِنَّمَا» است؛ خداوند اراده کرده که آلودگی و رجس را فقط از اهل بیت (نه دیگران) بزاید.^۵ شیخ طوسی درباره حصر در این آیه می‌گوید:

اراده خداوند نیست مگر بر رفع پلیدی از اهل بیت علیهم السلام و این دلالت

می‌کند بر این که دفع کردن پلیدی از ایشان حاصل شده است و این

عصمت است.^۶

۱. طبرسی، علی بن فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۱۴۹.
۲. أحزاب: ۳۳.
۳. رازی، ابن ابی حاتم عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، ۴۸۵/۳.
۴. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ۱۹۹/۵.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۳۲/۱۳؛ سکاکی خوارزمی، ابویعقوب یوسف بن ابی بکر، مفتاح العلوم، ۲۹۱/۱.
۶. طوسی، محمد بن الحسن، الغیبة، کتاب الغیبة للحجة، ۳۴۰/۸.

نکته دیگر این که، اراده در «يُرِيدُ اللَّهُ» اراده تکوینی الهی است نه تشریحی.^۱ با توجه به آنکه اراده تشریحی خداوند متعال به اهل بیت علیهم السلام اختصاص ندارد و برای همه مکلفان جاری می‌گردد، اراده در این آیه شریفه تکوینی است.

منظور از واژه «رجس» از دیدگاه اهل لغت، هم گناه را در بر می‌گیرد، هم شامل اموری می‌شود که طبع انسانی از آن نفرت دارد و هم آنچه را که مورد نفرت عقل است شامل می‌گردد؛^۲ از این رو، این آیه بیانگر درجه بالایی از عصمت است. باید توجه داشت که «اهل بیت» نیز اصطلاح خاص قرآنی است نه معنای لغوی، و مصداق آن به روشنی در سنت بیان شده است.

با توجه به این چهار نکته، می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که اراده تکوینی خداوند که تخلف‌ناپذیر است، به پاک‌ی اهل بیت علیهم السلام از جمله حضرت زهرا علیها السلام از هر گونه آلودگی و نقص، تعلق گرفته که این همان عصمت مورد نظر است.

از دیگر آیاتی که بر مقام و منزلت عظیم اهل بیت علیهم السلام از جمله حضرت زهرا علیها السلام دلالت می‌کند و از خلال آن می‌توان عصمت ایشان علیهم السلام را اثبات کرد، آیه مودت است. خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید:

﴿ذَلِكَ الَّذِي يُبَيِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾^۳.

از این آیه شریفه، فضایل متعددی برای اهل بیت علیهم السلام اثبات می‌شود که عبارتند از: وجوب اطاعت، افضلیت و عصمت. علامه حلی رحمته الله برای اثبات امامت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام به آیه مودت تمسک کرده، چنین می‌فرماید: «وجوب مودت

۱. حسینی میلانی، سید علی، جواهر الکلام فی معرفة الإمامة والإمام، ۱۸/۳؛ ربانی گلپایگانی، علی، امامت در بینش اسلامی، ۱۹۹/۳.

۲. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات ألفاظ القرآن، ۱۸۸/۱؛ بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، ۳۷۴/۴.

۳. شوری: ۲۳.

مستلزم وجوب اطاعت است.^۱ ایشان در اینجا درباره کیفیت این استلزام سخنی بیان نکرده، اما در کتاب منهج الكرامة في معرفة الإمامة به بیان این استلزام پرداخته و مخالفت با اوامر ایشان را منافی با مودت ایشان معرفی کرده است و چنین می‌گوید: وامتثال أوامره يكون مودّة، فيكون واجب الطاعة، وهو معنى الإمامة^۲؛ از آن جهت که مودت او با امتثال اوامرش تحقق می‌یابد، او واجب الإطاعة است و این همان معنای امامت است.

علامه حلی رحمته الله در این بیان، امتثال امر را مودت معرفی می‌کند؛ چنانکه خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾.^۳ از این رو، تبعیت و اطاعت از اوامر، به دنبال محبت واقعی می‌آید و محبت واقعی به دنبال برآورده کردن خواسته‌ها و اوامر محبوب خود، قدم برمی‌دارد، وگرنه در محبت و مودت صادق نخواهد بود. البته از طریق بیان فرق بین «محبت» و «مودت» نیز می‌توان وجوب اطاعت را اثبات کرد؛ به این بیان که «مودت» اخص از «محبت» بوده و مودت آن محبتی است که همراه با اطاعت و فرمانبرداری باشد. این مطلب هرچند به تصریح اهل لغت نیامده، ولی با بررسی استعمالات گوناگون مودت در قرآن، قابل اثبات و مورد اذعان علمای اهل سنت است.^۴

در حقیقت این آیه به اطاعت مطلق از اهل بیت علیهم السلام امر کرده است و هر کجا که اطاعت مطلق از فرد یا گروهی مطرح باشد، این به معنای عصمت آن شخص یا گروه خواهد بود؛ چراکه اطاعت مطلق در صورتی از سوی خدای متعال برای کسی صادر می‌شود که تمامی افعال و اوامر و نواهی او مورد تأیید خداوند و مورد رضای او باشد؛ در غیر این صورت، امر به اطاعت مطلق بی‌معنا خواهد بود و باید اطاعت او به صورتی قید بخورد که افعال او مخالف با فرامین الهی نباشد.

۱. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، نهج الحق و كشف الصدق، ۱۷۵/۱.

۲. همو، منهج الكرامة في معرفة الإمامة، ۱۲۲/۱.

۳. آل عمران: ۳۱.

۴. حسینی میلانی، سید علی، جواهر الکلام في معرفة الإمامة والإمام، ۱۴۵/۴-۱۶۴.

۲.۲. ادلهٔ روایی

از جمله روایاتی که به اثبات عصمت اهل بیت علیهم السلام می‌پردازد، حدیث شریف ثقلین است که توضیح آن پیش‌تر گذشت. در کنار این می‌توان به چند روایت دیگر نیز اشاره کرد که به دلیل اطالهٔ کلام از شرح آن‌ها خودداری می‌کنیم.

حدیث «سفینه» بر فضایل مختلفی در مورد اهل بیت علیهم السلام از جمله عصمت دلالت دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این حدیث شریف می‌فرماید:

إنما مثل أهل بيتي فيكم كمثل سفينة نوح، من ركبها نجا ومن تخلف عنها هلك؛ همانا مثل اهل بیت من در میان شما به مثل کشتی نوح می‌ماند که هرکه بدان سوار شد نجات یافت و هرکه از آن تخلف کرد هلاک گردید.

از این روایت، وجوب متابعت اهل بیت علیهم السلام به نحو مطلق و بدون قید و شرط فهمیده می‌شود؛ چراکه تنها راه نجات و خلاص از هلاکت و عذاب را، سوار شدن بر کشتی نجات اهل بیت علیهم السلام معرفی می‌کند. افزون بر این، بر افضلیت اهل بیت علیهم السلام بر سایر مسلمین و صحابه نیز دلالت دارد؛ چراکه ایشان به عنوان تنها راه نجات معرفی شده‌اند و اگر فرد دیگری از امت از ایشان برتر بود، باید به حکم عقل او به عنوان راه نجات امت به دیگران شناسانده می‌شد و همین‌طور با توجه به حدیث ثقلین می‌توان عصمت ایشان را نیز نتیجه گرفت.

حدیث «امان»^۲ حدیثی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اهل بیت خود را به عنوان عامل امنیت و نجات و در نقلی دیگر ایشان را منشأ امان امت اسلامی از اختلاف معرفی کرده‌اند؛ بدین معنا که اگر اهل بیت علیهم السلام بعد از ایشان مرجع و محور قرار گیرند، بین امت اختلافی به وقوع نخواهد پیوست و اقتدای به ایشان موجب در امان بودن

۱. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ۷۸۵/۲؛ طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن أحمد بن ایوب، المعجم الكبير، ۴۵/.

۲. طبری، محب‌الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، ۱۷/۱؛ سمهودی، علی بن عبدالله، جواهر العقدين فی فضل الشرفین، ۲۶۲/۱.

امت از اختلاف و گمراهی است و در سایه پیروی از ایشان، امت به هدایت خواهند رسید.^۱ پیامبر اکرم ﷺ می فرمایند:

النجوم أمان لأهل السماء وأهل بيتي أمان لأمتي^۲؛ ستارگان، امنیت را برای اهل آسمان به ارمغان می آورند و امنیت امتم نیز بر عهده اهل بیت من است.

در منابع روایی فریقین از رسول خدا ﷺ نقل شده است که ایشان در حق حضرت زهرا عليها السلام فرمودند:

يا فاطمة إن الله عزّ وجلّ يغضب لغضبك ويرضى لرضاك^۳؛ ای فاطمه! خداوند متعال با خشم تو خشمگین و با رضایت تو راضی می شود.

حاکم نیشابوری و هیثمی بعد از نقل این روایت، به صحت آن تصریح کرده اند.^۴ قاضی نورالله شوشتری در چهار موضع از کتاب إحقاق الحق وإزهاق الباطل، به این روایت پرداخته، نام منابعی را که این روایت را ذکر کرده اند، می آورد.^۵ در اولین این مواضع، پس از نقل این حدیث می گوید: «رواه جماعة من أعلام القوم»^۶ و در ادامه، نام ۳۶ منبع از منابع اهل سنت را که این روایت را نقل کرده اند از باب نمونه ذکر می کند.

این روایت شریف، بیانگر مقام و منزلت حضرت زهرا عليها السلام نزد خداوند متعال است که این چنین مورد عنایت پروردگار عالم قرار می گیرد و این گونه محور توجه الهی واقع می شود که ناراحتی و خشنودی خداوند با ناراحتی و خشنودی حضرت زهرا عليها السلام

۱. حسینی میلانی، سید علی، دراسات في منهاج السنة لمعرفة ابن تيمية، ۵۳۹/۴.

۲. طبري، محب الدين أحمد بن عبدالله، ذخائر العقبى في مناقب ذوى القربى، ۱۷/۱.

۳. طبرسي، ابومنصور احمد بن علي، الاحتجاج على اهل اللجاج، ۳۵۴/۲؛ نیشابوری، ابوعبدالله محمد بن عبدالله، ۱۶۷/۳؛ طبرانی، ابوالقاسم سليمان بن احمد بن ايوب، المعجم الكبير، ۱۸/۱.

۴. نیشابوری، ابوعبدالله محمد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، ۱۶۷/۳؛ هیثمی، ابوالحسن نورالدین علی بن ابی بکر بن سلیمان، مجمع الزوائد، ۲۰۳/۹.

۵. شوشتری، قاضی نورالله، إحقاق الحق وإزهاق الباطل، ۱۱۶/۱۰-۱۲۲.

۶. همان، ۱۱۶/۱۰.

گره خورده است و رابطه مستقیم با یکدیگر یافته‌اند. نکته این روایت آن است که این محوریت به صورت مطلق بیان شده و قید و حد و حصری برای ملاک بودن غضب و رضایت حضرت زهرا علیها السلام بیان نشده است و همین مسئله، نشان از عصمت است؛ چراکه در صورت عدم عصمت، ملاک بودن حضرت زهرا علیها السلام به صورت مطلق صحیح نیست و در مواردی که غضب و رضایت ایشان از روی خطا و اشتباه و سهو و نسیان و یا امیال شخصی باشد، دیگر با غضب و رضایت الهی مطابقت ندارد و برای آن ملاک نیست. از این رو، وقتی این کلام به صورت مطلق و فراگیر بیان شده، به معنای صدق آن در تمامی موارد و شرایط است و این همان عصمت صدیقۀ کبری علیها السلام است.

در منابع معتبر روایی فریقین با مجموعه‌ای از احادیث در فضیلت حضرت زهرا علیها السلام مواجه می‌شویم که این احادیث، رابطه‌ای خاص بین رسول اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت زهرا علیها السلام را به تصویر می‌کشند که این رابطه، با توجه به جایگاه پیامبری نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و ارتباط ایشان با عالم وحی، فراتر از رابطه پدر و فرزندی است. رسول خدا صلی الله علیه و آله با تعبیری همچون: «بِضَعَّةٍ مِنِّي»^۱، «شُجْنَةٌ مِنِّي»^۲ و «مُضَعَّةٌ مِنِّي»^۳ حضرت زهرا علیها السلام را قسمتی از وجود و حقیقت خود معرفی می‌کنند.

ادامه این روایات به شش صورت نقل شده است؛ از جمله: «من آذاها فقد آذانی ومن غاظها فقد غاظنی ومن سرها فقد سرنی»^۴.

۳. ادلهٔ افضلیت حضرت زهرا علیها السلام

یکی از شروط لازم برای امام، افضلیت است؛ چراکه عصمت و علم ملازم با افضلیت است. شیخ طوسی رحمته الله عصمت و افضلیت به معنای برخورداری از بیشترین ثواب

۱. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ۲۵۸/۳؛ بخاری، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱ و ۱۴۱۲؛ کشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ۱۹۰۲/۴.

۲. ابن بابویه قمی، ابی جعفر محمد بن علی بن حسین، معانی الأخبار، ۳۰۳/۱؛ ابن حنبل، احمد بن محمد، فضائل الصحابة، ۲۵۸/۳۱.

۳. نسائی، احمد بن علی، السنن الکبری، ۱۴۷/۵.

۴. ابن بابویه قمی، ابی جعفر محمد بن علی بن حسین، معانی الأخبار، ۱۲۵/۴.

را ملازم می‌داند.^۱ عده‌ای دیگر دلیل این تلازم را اساس و ریشه‌ای بودن عصمت برای تمامی صفات و کمالات مطرح کرده‌اند.^۲ با توجه به این کلام و با در نظر گرفتن ادله عصمت حضرت زهرا علیها السلام که پیش‌تر به تفصیل بدان پرداخته شد، باید گفت ایشان افضل مردم در میان مخلوقات بشری هستند.

اعلمیت نیز که ملازم با افضلیت امام مطرح شده، اعلمیت او نسبت به سایر خلائق است. محقق حلی رحمته الله علیه بر این باور است که از آنجایی که امام داناترین مردم است، بنابراین او افضل مردم نیز هست. او برای اثبات تلازم، به آیه «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»^۳ و موجب ثواب شدن علم، تمسک کرده است.^۴ بخش دیگری از ادله افضلیت حضرت زهرا علیها السلام ادله قرآنی و روایی است.

۱.۳. ادله قرآنی

در میان آیاتی که بر افضلیت اهل بیت علیهم السلام دلالت می‌کنند، می‌توان به آیه تطهیر^۵، مودت^۶ و آیات ابرار^۷ اشاره کرد. البته آیه مباهله نیز به بیان افضلیت امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام و امام حسن و امام حسین علیهم السلام می‌پردازد، اما چون عناوینی همچون «اهل بیت» و یا «قربی» در آن نیامده است، این آیه شریفه را می‌توان به عنوان دلیل اختصاصی افضلیت حضرت زهرا علیها السلام بررسی کرد.

بسیاری از آیات قرآن نشان دهنده وجود شایستگی لازم در اهل بیت علیهم السلام برای انتخاب از میان افراد بشر هستند؛ چراکه اگر چنین شایستگی و افضلیتی در اهل بیت علیهم السلام نباشد یا سایر مردم افضل از ایشان باشند که ترجیح مرجوح بر راجح است و قبیح؛

۱. طوسی، محمد بن حسن، الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد، ص ۳۰۷-۳۰۸.
۲. حلی، جعفر بن حسن، المسلك فی أصول الدین والرسالة الماتعیه، ۴۸/۱-۴۹.
۳. زمر: ۹.
۴. همان، ۲۰۵/۱.
۵. احزاب: ۳۳.
۶. شوری: ۲۳.
۷. انسان: ۵.

و یا آنکه ایشان علیهم السلام با سایر مردم مساوی اند که ترجیح بدون مرجح می شود که یا محال است و یا قبیح و از خداوند متعال حکیم، چنین امری سر نمی زند. از این روی انتخاب الهی، به حکم عقل، افضلیت انتخاب شدگان را می رساند.

علمای شیعه درباره نزول آیات ۵-۱۰ سوره دهر^۱ در رابطه با اهل بیت علیهم السلام که از جمله ایشان حضرت زهرا علیها السلام است، اتفاق نظر دارند^۲ و روایات گویای این مطلب در حد تواتر است تا آنجا که برخی از علمای شیعه، نزول این آیات در مورد اهل بیت علیهم السلام را از ضروریات مذهب که احدی به آن جاهل نیست، خوانده اند.^۳ در بین علمای غیر شیعه نیز نزول این آیات در مورد اهل بیت علیهم السلام قطعی و مسلم است^۴؛ هرچند عده ای با شبهه افکنی این حقیقت را پنهان می کنند.^۵

علامه شرف الدین رحمته الله برای اثبات افضلیت اهل بیت علیهم السلام به این آیات شریفه، این چنین استدلال می کند:

علمای علم بیان و اهل زبان عربی، در حقیقت بودن عموم از جمعی که بر سر آن الف و لام تعریف آمده، شکی ندارند و در این مطلب همه عرب زبانان اتفاق نظر دارند. در این آیه شریفه لفظ «ابرار»، مفید شمول و عموم است و بر امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و امام حسن و امام حسین علیهم السلام بدین جهت اطلاق شده که بفهماند ایشان کاملترین ابرار هستند و این نکته را می رساند که ایشان بهترین خوبان و برگزیده برگزیدگانند.^۶

۱. ﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا ﴿٥﴾ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا ﴿٦﴾ يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا ﴿٧﴾ وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مَشْكِيْنَا وَيَبْسِمُوا ﴿٨﴾ وَإِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا ﴿٩﴾ إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا غَمًسًا قَمَطِرِيرًا﴾.

۲. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۲/۲۰.

۳. شرف الدین عاملی، سید عبدالحسین، الكلمة الغراء فی تفضیل الزهراء علیها السلام، ۱۲۲/۱.

۴. حسینی میلانی، سید علی، جواهر الکلام فی معرفة الإمامة والإمام، ۱۶۹-۱۲۷/۵.

۵. همو، دراسات فی منهج السنة لمعرفة ابن تیمیة، ۳۷۹/۱.

۶. شرف الدین عاملی، سید عبدالحسین، الكلمة الغراء فی تفضیل الزهراء علیها السلام، ۲۳۲/۱.

آیه ۶۱ سوره آل عمران که به «آیه مباهله» معروف است، علاوه بر اثبات فضیلت اهل بیت علیهم السلام، به عنوان یکی از قوی ترین و متقن ترین ادله قرآنی بر امامت و خلافت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به شمار می رود. خداوند در این آیه به پیامبرش دستور می دهد که مجادله کنندگان با حق را - که همان مسیحیان نجران بودند - به مباهله فراخواند تا هر دو گروه به همراه فرزندان، زنان و کسانی که به منزله نفس و جان هستند، در این امر شرکت کنند. در شأن نزول آیه مباهله آمده است:

ولما نزلت هذه الآية: فقلل تعالوا ندع أبناءنا وأبناءكم دعا رسول الله صلى الله عليه وسلم

علياً عليه السلام وفاطمة عليها السلام وحسناً وحسيناً عليهما السلام فقال: اللهم هؤلاء أهلي.^۲

زمانی که آیه مباهله نازل شد، پیامبر خدا صلى الله عليه وسلم به همراه علی عليه السلام، فاطمه عليها السلام، حسن و حسین عليهما السلام به نزد مسیحیان رفتند تا با آنها مباهله کنند.^۳

با توجه به کثرت نقل، اذعان به تواتر و قطعی بودن صدور روایت مباهله، توسط برخی از عالمان بزرگ اهل سنت جای تعجب ندارد.^۴ گذشته از دلالت این آیه شریفه بر امامت و خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام که در جای خود بحث و اثبات شده^۵، بر افضلیت همراهان پیامبر اکرم صلى الله عليه وسلم در مباهله دلالت دارد. حضرت آیت الله میلانی رحمته الله درباره دلالت آیه بر افضلیت اهل بیت علیهم السلام به سه جهت اشاره می کند که عبارتند از: دعوت از امیرالمؤمنین علیه السلام، حضرت فاطمه عليها السلام، امام حسن و حسین عليهما السلام توسط پیامبر اسلام صلى الله عليه وسلم بیانگر این حقیقت است که آن بزرگواران محبوب ترین افراد نزد رسول خدا صلى الله عليه وسلم بوده اند و روشن است که محبوب ترین فرد نزد پیامبر، بافضیلت ترین افراد امت پیامبر صلى الله عليه وسلم خواهد بود. از همین روست که برخی از عالمان اهل سنت نیز

۱. آل عمران: ۶۱.

۲. ابن حنبل، احمد بن محمد، فضائل الصحابة، ۱۶۰/۳؛ ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الصحیح وهو سنن الترمذی، ۷۱/۵.

۳. حسینی میلانی، سید علی، سلسله پژوهش های اعتقادی ۳۶ نگاهی به تفسیر آیه مباهله، ۱۷/۱.

۴. جصاص، احمد بن علی، أحكام القرآن، ۱۹-۱۸/۲.

۵. حسینی میلانی، سید علی، جواهر الکلام فی معرفة الإمامة والإمام، ۳۱۵/۳.

به دلالت داستان مباحله، بر احب الناس بودن اهل بیت علیهم السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله اعتراف کرده‌اند.^۱ پیامبر صلی الله علیه و آله احدی را در این امر با آنان شریک نساخته است و اگر احدی از نظر جایگاه و منزلت نظیر اهل بیت علیهم السلام بود، اختصاص این امر به ایشان وجهی نداشت.

یکی دیگر از وجوه دلالت داستان مباحله بر افضلیت اهل بیت علیهم السلام، یاری دین خدا توسط ایشان است. این جریان به خوبی نقش اهل بیت علیهم السلام را در ثبوت نبوت و راستی گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله روشن می‌کند. همچنین بیانگر آن است که اگر دشمنان دین خدا با ایشان وارد مباحله می‌شدند، خداوند به واسطه اهل بیت علیهم السلام دشمنان دین خود را خوار و نابود می‌کرد.^۲

۲.۳. ادله روایی

در میان روایات، حدیث ثقلین نیز که بیانگر قرین بودن قرآن و عترت است، خود دلیلی دیگر بر افضلیت عترت است؛ چراکه بدون تردید، قرآن برترین کتاب آسمانی است و تمام امت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در برتر بودن قرآن تردید ندارند و لازمه هم‌سنگ بودن اهل بیت علیهم السلام با قرآن آن است که اهل بیت علیهم السلام نیز همچون قرآن برترین فرد امت باشند.^۳

روایاتی همچون خدمت ملائکه، مقام تحدیث و بضعة الرسول بودن، مدار خشم و رضای الهی بودن و کفو بودن برای امیرالمؤمنین علیه السلام نیز بر این امر دلالت دارند؛ چراکه ایشان از میان امت به این مقامات برگزیده شده‌اند و احدی در امت همتای ایشان و شریک در این فضایل قرار نگرفته است و همین امر، گویای مقام خاص و بی نظیر ایشان نزد خداوند متعال است که همان افضلیت ایشان را می‌رساند.

بر اساس روایت بضعة بودن حضرت زهرا علیها السلام برای نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله که منابع اهل سنت نیز نقل کرده‌اند، بسیاری از بزرگان اهل سنت، حضرت زهرا علیها السلام را از

۱. رضوانی، علی اصغر، فاطمه زهرا علیها السلام مظلومه تاریخ، ۳۳/۱-۳۹.

۲. حسینی میلانی، سید علی، جواهر الکلام فی معرفة الإمامة والإمام، ۳/۳۱۵-۳۲۲.

۳. همان، ۷۵/۹.

ابوبکر و عمر برتر می‌دانند؛ چراکه او پارهٔ تن پیامبر ﷺ است و پیامبر خدا به اتفاق نظر همه، از ابوبکر و عمر برتر است.^۱

همچنین با توجه به کفویت حضرت زهرا علیها السلام برای امیرالمؤمنین علیه السلام که روایات آن در بحث ادلهٔ علم حضرت زهرا علیها السلام گذشت، می‌توان افضلیت ایشان را اثبات کرد؛ چراکه امیرالمؤمنین علیه السلام بنا به ادلهٔ مختلفی که در جای خود بحث شده است، افضل افراد امت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هستند و بر اساس قاعدهٔ کفویت، کفو ایشان نیز افضل مردم در امت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌شوند.

۴. ادلهٔ اصطفای حضرت زهرا علیها السلام

مقام «اصطفاء» که در حقیقت برگزیده شدن توسط خداوند متعال است، با توجه به برخی ویژگی‌ها و صفات، صورت می‌پذیرد و خداوند فردی را برای مقامی بلندمرتبه برمی‌گزیند. در حقیقت، اصطفاء مقدمه‌ای برای اعطای منصب است و خداوند پیش از اعطای منصب، بندهٔ مورد نظرش را که صلاحیت تصدی منصب را دارد، انتخاب می‌کند و بعد از این انتخاب و گزینش، منصب را به او اعطا می‌کند.

کسی که به مقام امامت می‌رسد، در مرحلهٔ قبل خداوند متعال او را گزینش کرده و به مقام «اصطفاء» رسانده است و بعد از امام شدن، یکی از حجت‌های الهی به شمار رفته و خداوند مقام «حجیت» را نیز که لازمهٔ مقام «امامت» است، به او عنایت میکند. از این رو، برخورداری از این دو مقام برای کسی که به مقام امامت رسیده است، ضروری است.

معنای لغوی «اصطفاء» اختیار کردن و برگزیدن است.^۲ خداوند متعال، بندگان برگزیدهٔ خویش را از حیث شأن و منزلت از دیگران جدا کرده و به آنان مقام خاصی داده که به دیگران نداده است. این اصطفاء که به خداوند متعال نسبت داده شده، فعل خداوند بوده و احدی در آن دخالت ندارد؛ اما با توجه به حکمت الهی، باید

۱. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ۴/۴۲۱؛ علی بن محمد، ابوالحسن نورالدین الملا الهروی القاری، المرقاة فی شرح المشکاة، ۵/۳۴۸.

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۴۶۳/۱۴.

گفت افعال الهی بر اساس مصالح و حکمت‌هایی است که این افعال را از لغویت خارج کرده و از بی حساب و کتاب بودن آن‌ها جلوگیری می‌کند.

۱.۴. ادله قرآنی

از جمله آیاتی که به مسئله اصطفا‌ی الهی پرداخته، عبارت است از: ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾^۱. این آیه شریفه علاوه بر بیان اصطفا‌ی دو پیامبر الهی، یعنی حضرت آدم و حضرت نوح علیهم‌السلام، برگزیدگی دو خاندان آل ابراهیم و آل عمران بر تمام عالم را مطرح می‌کند. در روایات ذیل این آیه، مراد از آل ابراهیم، اهل بیت علیهم‌السلام از جمله حضرت زهرا علیها‌السلام هستند که خداوند ایشان را بر عالمین برگزیده است.

امام حسن مجتبی علیه‌السلام در خطبه‌ای چنین فرمودند:

أيها الناس اعقلوا عن ربكم - إن الله عزّ وجلّ اصطفى آدم ونوحاً وآل إبراهيم وآل عمران على العالمين... السلالة من إسماعيل وآل من محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم.^۲

امام حسین علیه‌السلام نیز در روز عاشورا در پاسخ یکی از دشمنان که از وجه حرمت حضرت پرسیده بود، آیه شریفه را تلاوت فرمودند و گفتند: «والله إن محمداً لمن آل إبراهيم وإن العترة الهادية لمن آل محمد»^۳.

حال با توجه به اصطفا‌ی اهل بیت علیهم‌السلام و آل پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم توسط خداوند متعال که به تعبیر این آیه شریفه «آل ابراهیم» هستند، حضرت زهرا علیها‌السلام بی شک و تردید از آل و اهل بیت نبی مکرم اسلام به حساب می‌آیند و این اصطفا‌ی در حق ایشان نیز تحقق یافته است.

۱. آل عمران: ۳۳.

۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ۳۵۸/۴۳.

۳. ابن بابویه قمی، ابی جعفر محمد بن علی بن حسین، علل الشرائع، ۱۵۸/۱.

خداوند در جایی دیگر بندگان برگزیده خود را وارثان کتاب معرفی کرده: «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا»^۱.

ابوحمزه ثمالی رضی الله عنه از امام سجاد رضی الله عنه نقل می‌کند که حضرت درباره این آیه سه بار فرمودند: «نَزَلَتْ وَاللَّهِ فِيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ»^۲.

۲.۴. ادله روایی

یکی از مناقب و منزلت‌های حضرت زهرا رضی الله عنها که بر اصطفای ایشان دلالت می‌کند، برتری ایشان بر زنان است که این فضیلت، در روایات گوناگونی بیان شده است. در روایتی که شیخ صدوق در أمالی آورده، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مصیبت و سختی‌های حضرت زهرا رضی الله عنها بعد از خود اشاره می‌کنند و می‌فرمایند:

فَعِنْدَ ذَلِكَ يُؤَسِّسُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ بِالْمَلَائِكَةِ فَنَادَتْهَا بِمَا نَادَتْ بِهِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ فَتَقُولُ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ يَا فَاطِمَةُ افْتَنِي لِرَبِّكِ وَاصْجِدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ.^۳

نتیجه‌گیری

در منظومه اعتقادی شیعه، امامت جایگاه ویژه‌ای دارد و آن از اصلی‌ترین اصول عقاید اسلامی به شمار می‌رود و می‌توان آن را «اصل اصول دین» نامید که اصول دیگر در پرتو آن، تفسیر و تبیین می‌شود. برای امام ویژگی‌هایی گفته شده است که اساسی‌ترین آنها، علم، عصمت، افضلیت امام و مقام اصطفاء است. سایر ویژگی‌ها مثل شجاعت، نداشتن عیوب، مقرب‌ترین و یگانه بودن در منصب امامت، به افضلیت برمی‌گردد. برای اثبات این چهار ویژگی به دلایل عقلی و نقلی گوناگونی تمسک شد که ضروری بودن برخورداری امام از دیدگاه شیعه امامیه، از ویژگی‌های عصمت، علم، افضلیت، امری مسلم است.

۱. فاطر: ۳۲.

۲. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ۱۵۶/۲.

۳. ابن بابویه قمی، ابی جعفر محمد بن علی بن حسین، علل الشرائع، ۱۱۴/۱.

با توجه به مطالب و دلایل ارائه شده، سه ویژگی علم، عصمت و افضلیت برای حضرت زهرا علیها السلام به اثبات رسید و حضرت علیها السلام این سه ویژگی را که از ویژگی های اصلی امامت است، دارا بودند. از سویی، با استناد به آیات و روایات ایشان برخورداری از مقام اصطفاء نیز برای ایشان اثبات شد و این مقام را خداوند به کسی که او را به عنوان امام انتخاب کرده است عنایت می کند؛ چراکه خداوند پیش از آنکه شخصی را به عنوان امام انتخاب کند، او را برمیگزیند و به مقام «اصطفاء» می رساند و سپس به او مقام «حجیت» را عطا میکند تا بر بندگان، حق ولایت و سرپرستی داشته باشد.

در بررسی این ویژگی ها و ادله، یکی از شاخصه های اصلی امامت که نصب از جانب خداوند است، در مورد حضرت زهرا علیها السلام وجود ندارد و در نتیجه با وجود برخورداری از صفاتی همچون علم، عصمت و افضلیت و همچنین واجدیت مقام اصطفاء و حجیت، بر ایشان اطلاق «امام» نشده است؛ چراکه در مورد امامت ایشان نصی از جانب خداوند وجود ندارد و لذا ایشان مقام امامت را که منوط به انتصاب و نص الهی است، دارا نبوده اند. این خود، دارای دلایل گوناگونی است که جا دارد در نوشتاری دیگر، علل عدم اطلاق «امام» بر حضرت صدیقه طاهره علیها السلام مورد بررسی قرار گیرد.

فهرست منابع

کتاب ها

- قرآن کریم.
 نهج البلاغه.
 ابن بابویه قمی، ابی جعفر محمد بن علی بن حسین (شیخ صدوق)، علل الشرائع، اول: کتاب فروشی دآوری، قم، ۱۳۸۵.
 _____، معانی الأخبار، اول: جامعه المدرسین، قم، ۱۳۷۹.
 _____، الخصال، اول: جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲.
 _____، الأمالی، ششم: کتابچی، تهران، ۱۳۷۶.
 ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، (۱۳۷۹)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، تصحیح: محمد عبدالسلام شاهین، اول: دار المعرفة، بیروت، ۱۳۷۹.

ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، دوم: مؤسسة الرسالة، بيروت، ۱۴۰۳ق.

—، فضائل الصحابة، اول: مؤسسة الرسالة، بيروت، ۱۴۱۶ق.

ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، سوم: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع - دار صادر، بيروت، ۱۴۱۴ق.

اربلي، على بن عيسى، كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط. القديمة)، تحقيق: سيد هاشم رسولی محلاتی، اول: بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ق.

اصفهانى، حسين بن محمد راغب، مفردات ألفاظ القرآن، اول: دار العلم - الدار الشامية، لبنان، ۱۴۱۲ق.

انصاري، جمال الدين أبو محمد عبد الله بن يوسف بن هشام، مغني اللبيب عن كتب الأعراب، ششم: دار الفكر، بيروت، ۱۹۸۵.

بيضاوى، عبد الله بن عمر، أنوار التنزيل وأسرار التأويل، تحقيق: محمد عبد الرحمن المرعشلى، اول: دار احياء التراث العربى، بيروت، ۱۴۱۸ق.

ترمذى، محمد بن عيسى، الجامع الصحيح وهو سنن الترمذى، تحقيق و شرح: احمد محمد شاكر، اول: دار الحديث، قاهره، ۱۴۱۹ق.

جصاص، احمد بن على، احكام القرآن، اول: دار احياء التراث العربى، بيروت، ۱۴۰۵ق.

جوهرى، اسماعيل بن حماد، الصحاح، اول: دار العلم للملايين، بيروت، ۱۳۷۶ق.

حسكاني، عبید الله بن عبد الله، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، تحقيق: محمد باقر محمودى، اول: التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامى، مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، تهران، ۱۴۱۱ق.

حسينى تهرانى، سيد محمد حسين، امام شناسى، سوم: علامه طباطبائى، مشهد، ۱۴۲۶ق.

حسينى ميلانى، سيد محمد هادى، قادتنا كيف نعرفهم، دوم: الحقايق، قم، ۱۴۲۸ق.

حسينى ميلانى، سيد على، جواهر الكلام في معرفة الإمامة والإمام، اول: الحقايق، قم، ۱۳۸۹.

—، دراسات في منهج السنة لمعرفة ابن تيمية (مدخل لشرح منهج الكرامة)، سوم: الحقايق، قم، ۱۴۲۸ق.

—، نفحات الأزهار في خلاصة عبقات الأنوار، اول: الحقايق، قم، ۱۴۱۶ق.

—، سلسله پژوهش های اعتقادى ۳۶ نگاهى به تفسير آيه مباهله، اول: الحقايق، قم، ۱۳۹۳.

حسيني زبيدي، محمد مرتضى، تاج العروس من جواهر القاموس، اول: دار الفكر، بيروت، ١٤١٤ق.

حلبى، ابوالصلاح، تقريب المعارف، مؤسسة النشر الإسلامى، قم، ١٤٠٤ق.

حلبى، علاء الدين ابوالحسن على بن ابوالحسن بن ابوالمجد، إشارة السبق، اول: جامعة المدرسين، قم، ١٤١٤ق.

حلى، جعفر بن حسن (محقق حلى)، المسلك في أصول الدين والرسالة الماتعية، تحقيق: رضا استادى، اول: مجمع البحوث الإسلامية، مشهد، ١٤١٤ق.

حلى، حسن بن يوسف بن مطهر اسدى (علامه حلى)، نهج الحق وكشف الصدق، اول: دار الكتاب اللبنانى، بيروت، ١٩٨٢.

—، منهاج الكرامة في معرفة الإمامة، اول: مؤسسه تاسوعا، قم، ١٣٧٩.

—، كشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد قسم الالهيات، تحقيق: آيت الله جعفر سبحانى، دوم: مؤسسه امام صادق عليه السلام، قم، ١٣٨٢.

حلى، رضى الدين على بن يوسف بن المطهر، العدد القويّة لدفع المخاوف اليومية، تحقيق: مهدي رجائي و محمود مرعشى، اول: كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، قم، ١٤٠٨ق.

خرازى، سيد محسن، بداية المعارف الإلهية في شرح عقائد الإمامية، چهارم: مؤسسة النشر الإسلامى، قم، ١٤١٧ق.

رازى، ابن أبى حاتم عبدالرحمن بن محمد، تفسير القرآن العظيم، تحقيق: اسعد محمد طيب، سوم: مكتبة نزار مصطفى الباز، رياض، ١٤١٩ق.

ربانى گليپگانى، على، امامت در بينش اسلامى، دوم: بوستان كتاب، قم، ١٣٦٧.

رضوانى، على اصغر، فاطمه زهرا عليها السلام مظلومه تاريخ، اول: ذوى القربى، قم، ١٣٩٠.

سكاكي خوارزمي، أبويعقوب، يوسف بن أبى بكر، مفتاح العلوم، دوم: دار الكتب العلمية، بيروت، ١٤٠٧ق.

سمهودى، على بن عبدالله، جواهر العقدين في فضل الشرفين، اول: مطبعة المعانى، بغداد، ١٤٠٥ق.

سيوطى، عبدالرحمن بن أبى بكر، الدر المنثور في تفسير المأثور، اول: كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، قم، ١٤٠٤ق.

شرف الدين عاملى، سيد عبدالحسين، الكلمة الغراء في تفضيل الزهراء، دوم: دليل ما، قم، ١٣٨٥.

شريف مرتضى، الفصول المختارة من العيون والمحاسن، مصنفات شيخ مفيد، اول: المؤتمر العالمى للشيخ المفيد، قم، ١٤١٣ق.

شوشتری، قاضی نورالله، إحقاق الحق وإزهاق الباطل، اول: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۹ق.

طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، پنجم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۷ق.

طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن أحمد بن ایوب، المعجم الكبير، اول: مكتبة ابن تیمیة، قاهره، ۱۴۱۵ق.

طبرسی، ابومنصور احمد بن علی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، اول: مؤسسة الاجواد، بیروت، ۱۴۰۳ق.

طبرسی، امین الاسلام، إعلام الوری بأعلام الهدی، سوم: اسلامیة، تهران، ۱۳۹۰.

طبري، محب الدين أحمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، اول: مكتبة القدسي، قاهره، ۱۳۵۶ق.

طوسی، نصیرالدین، تلخیص المحصل المعروف بنقد المحصل، دوم: دار الاضواء، بیروت، ۱۴۰۵ق.

طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی)، الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد، دوم: دار الأضواء، بیروت، ۱۴۰۶ق.

—، الغیبة / کتاب الغیبة للحجة، اول: دار المعارف الإسلامية، قم، ۱۴۱۱ق.

علی بن محمد، ابوالحسن نورالدین الملا الهروی القاری، المرقاة فی شرح المشكاة، اول: دار الفکر، بیروت، ۱۴۲۲ق.

فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، دوم: دار الهجرة، قم، ۱۴۱۴ق.

قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، تصحیح: محمد فؤاد عبدالباقی، اول: دار الحدیث، قاهره، ۱۴۱۲ق.

قمی، عباس، فیض القدر فیما يتعلق بحديث الغدير، اول: دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۶.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چهارم: دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ق.

گودل کورت، تلخیص المحصل المعروف بنقد المحصل، دوم: دار الأضواء، بیروت، ۱۴۰۵ق.

متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الأفعال والأفعال، پنجم: مؤسسة الرسالة، بی جا، ۱۴۰۱ق.

مصباح، محمدتقی، آموزش فلسفه، اول: سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۲.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، دوم: دار إحياء التراث العربي، بيروت، ۱۴۰۳ق.

مظفر، محمدرضا، عقائد الإمامية، تحقيق: حامد حنفي، دوازدهم: انصاريان، قم، ۱۳۸۸.

مكارم شيرازي، ناصر، آيات ولايت در قرآن، سوم: نسل جوان، قم، ۱۳۸۶.

نسائي، احمد بن علي، السنن الكبرى، اول: دار الكتب العلمية، بيروت، ۱۴۱۱ق.

هيشمي، ابوالحسن نورالدين علي بن أبي بكر بن سليمان، مجمع الزوائد، بي تا.

نیشابوری، أبو عبد الله محمد بن عبد الله (حاكم نیشابوری)، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، اول: دار الكتب العلمية، بيروت، ۱۴۱۱ق.

یوسفی، محمد حسین، اسرار فضائل فاطمه، ترجمه و تحقیق: حامد رحمن الطائی، اول: قسم الشؤون الفكرية والثقافية للعتبة الحسينية، كربلاء، ۱۴۳۳ق.